

بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد مالی واسطه‌های مالی (بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حبیب‌الله نخعی^۱، سیده مریم زهرایی^۲

۱- استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بیرجند

۲- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بیرجند

چکیده

در ایران طی سال‌های اخیر موضوع حاکمیت شرکتی و مالکیت شرکت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که عملکرد بهینه بانک‌ها و موسسات مالی در یک کشور می‌تواند منجر به بهبود وضعیت اقتصادی آن کشور گردد، لذا بررسی شرایطی که موجب بهبود عملکرد بانک‌ها و موسسات مالی گردد ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد مالی واسطه‌های مالی (بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ است. با استفاده از روش حذف سیستماتیک نمونه نهایی ۲۹ بانک، شرکت سرمایه‌گذاری و بیمه به دست آمد. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار آماری Eviews، و روش رگرسیون پانل دیتا بهره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که ساختار مالکیت (نهادی، حقیقی و تمرکز مالکیت) بر بازده دارایی تاثیر معناداری دارند. اما ساختار مالکیت (نهادی، حقیقی و تمرکز مالکیت) بر بازده حقوق صاحبان سهام تاثیر معناداری ندارد.

واژگان کلیدی: بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، مالکیت نهادی، مالکیت حقیقی و تمرکز مالکیت

۱- مقدمه

سهامداران هر شرکت را افراد و مؤسساتی با علایق، اهداف، افق‌های سرمایه‌گذاری و توانایی‌های مختلف تشکیل می‌دهند. با توجه به پیچیدگی‌هایی که در اداره امور شرکت‌ها وجود دارد، از سهامداران انتظار نمی‌رود در اداره امور شرکت مسئولیتی به عهده گیرند. نفوذ سهامداران در شرکت‌ها فقط در مجامع عمومی امکان‌پذیر است و در مواردی از جمله: تصویب صورت‌های مالی، انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازرسی قانونی، اصلاح اساسنامه شرکت، تصویب معاملات فوق‌العاده و... متمرکز می‌باشد. از طرفی برخی از ساختارهای سرمایه‌ای به بعضی از سهامداران این امکان را می‌دهد که به میزان کنترلی نامتناسب با مالکیتی که در شرکت دارند دسترسی داشته باشند. همه این موارد ممکن است بر عملکرد یک شرکت تأثیرگذار باشد، چرا که بسیاری از سرمایه‌گذاران در بررسی هزینه فایده اعمال حقوق مالکیت خود ممکن است به این نتیجه برسند که با میزان معقولی از تحلیل و استفاده از حقوق خود می‌توانند به بازده مالی و رشد سرمایه بیشتری دست پیدا کنند (سعیدی و شیرینی قه‌بی، ۱۳۹۱). طبق نظریه نمایندگی، بین مالکان و مدیران شرکت‌ها ممکن است تضاد منافع وجود داشته باشد. با توجه به اینکه در روابط نمایندگی هدف مالکان حداکثر سازی ثروت است و برای دستیابی به این هدف بر کار نمایندگان نظارت و عملکرد او را ارزیابی می‌کنند. پس باید در این راستا عواملی که بر عملکرد شرکت تأثیرگذارند به خوبی شناسایی و مورد توجه قرار گیرند. برخی از مالکان ممکن است انگیزه‌ها و استراتژی‌های متفاوتی برای نظارت داشته باشند که به بهبود عملکرد شرکت بیانجامد (کرمانی، ۱۳۸۷).

امروزه با توجه به تأکید زیاد بر مجزا شدن مالکیت از مدیریت، به ساختار و ترکیب مالکیت شرکت‌ها به عنوان ابزار کنترل و نظارت بر شرکت و منافع سهامداران توجه زیادی می‌شود. حفظ منافع و حقوق سهامداران از یک طرف ایجاب می‌کند تا سهامداران